

## عنوان :

روز سوم

تاریخ :

1392/08/16

روز سوم

1. "عمر بن سعد" يك روز پس از ورود امام علیه‌السلام به سرزمین کربلا یعنی روز سوّم محرم با چهار هزار سپاهی از اهل کوفه وارد کربلا شد. 6

2. امام حسین علیه‌السلام قسمتی از زمین کربلا که قبر مطهرش در آن واقع می‌شد را از اهالی نینوا و غاضریه به شصت هزار درهم خریداری کرد و با آنها شرط کرد که مردم را برای زیارت راهنمایی نموده و زوّار او را تا سه روز میهمان کنند. 7

3. در این روز "عمر بن سعد" مردی بنام "کثیر بن عبدالله" - که مرد گستاخی بود - را نزد امام علیه‌السلام فرستاد تا پیغام او را به حضرت برساند. کثیر بن عبدالله به عمر بن سعد گفت: اگر بخواهید در همین ملاقات حسین را به قتل برسانم؛ ولی عمر نپذیرفت و گفت: فعلاً چنین قصدی نداریم.

هنگامی که وی نزدیک خیام رسید، "ابو ثمامه صیداوی" (همان مردی که ظهر عاشورا نماز را به یاد آورد و حضرت او را دعا کرد) نزد امام حسین علیه‌السلام بود. همین‌که او را دید رو به امام عرض کرد: این شخص که می‌آید، بدترین مردم روی زمین است. پس سراسیمه جلو آمد و گفت: شمشیرت را بگذار و نزد امام حسین علیه‌السلام برو. گفت: هرگز چنین نمی‌کنم.

ابو ثمامه گفت: پس دست من روی شمشیرت باشد تا پیامت را ابلاغ کنی. گفت: هرگز! ابو ثمامه گفت: پیغامت را به من بسپار تا برای امام ببرم، تو مرد زشت‌کاری هستی و من نمی‌گذارم بر امام وارد شوی. او قبول نکرد، برگشت و ماجرا را برای ابن سعد بازگو کرد. سرانجام عمر بن سعد با فرستادن پیکی دیگر از امام پرسید: برای چه به اینجا آمده‌ای؟ حضرت در جواب فرمود:

"مردم کوفه مرا دعوت کرده‌اند و پیمان بسته‌اند، بسوی کوفه می‌روم و اگر خوش ندارید باز می‌گردم...". 8

پاورقیها

6. ارشاد، شیخ مفید، ج2، ص84.

7. مستدرک الوسائل، ج14، ص61؛ مجمع البحرین، ج5، ص461.

8. تاریخ طبری، ج5، ص410.